

## فساد اخلاق جوانان از چیست؟

همانطور که خوانندگان عزیز اطلاع دارند در شماره گذشته موضوع فوق را برای تهیه پاسخ جامع و کامل و رسیدن بیک نتیجه صحیح برای مبارزه با این مشکل بزرگ اجتماعی، در معرض تفاوت خوانندگان گرامی قرار دادیم.

اینک بدرج قسمت اول پاسخهای رسیده که طبعاً از خوانندگان محترم مِم می باشد میپردازیم، امیدواریم عموم خوانندگان مخصوصاً طبقات تحصیل کرده و دانشمندان، در این بحث مشارکت کرده و نظرات خود را در معرض افکار عمومی قرار دهند. بدیهی است پاسخها باید مستدل و جامع و کوتاه باشد تا بتوانیم در این صفحات محدود نظرات بیشتری را منعکس سازیم.

سری دوم پاسخها را به شماره های بعد مو کول میکنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

\*\*\*

پرتال جامع علوم انسانی

آقای سید جمال الدین دین‌پرور

## آتش بجان شمع فتد کاین بنا نهاد!

اکنون که در اجتماع ما انواع گناه و آلودگیها رسوخ پیدا کرده است و بنام تمدن معرفی شده میتوان گفت عامل فساد در جوانان ما این گریه‌های مسمومی است که از مجموع وضع محیط امروز پدید می‌آید؛ زیرا بهر طرف که قدم می‌گذاریم سر و صدائی برآه انداخته‌اند و تشکیلاتی برای انحرافات اخلاقی سرپا کرده‌اند. از یک طرف وضع رفقت بار فرهنگ و تعلیمات ناقص و فاسد آن از طرف دیگر زندگی و

معاشرت با زنان و دختران بی‌عفت و بالاخره نامه‌های رنگین و ننگین یعنی روزنامه‌ها و مجلات، رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، و... اینها عاملی است که میتوان با جرأت گفت جوانان ما را بکلی از حقائق و انسانیت دور داشته و جان و روان آنان را نابود ساخته است.

**ولی به‌عقیده نویسنده** در این میان محرك اصلی و عوامل حتمی دو چیز است:

۱ - تعلیمات (یا وقت گذرانیهای) فرهنگ‌آلود چون وقتی که جوانان مادر دوران طفولیت هستند هر گونه اخلاق و عقیده‌ای ممکن است در ذهن آنها جایگزین شود و مانند نقش بر سنک بماند در این صورت با وضع فرهنگ که همه ما میدانیم، اخلاق و روحیات ناپسند در آنان پیدا شده و کم‌کم نمود می‌کند.

۲ - مسئولندانستن اولیاء خود را در مقابل فرزندان، بعلمت آنکه اگر پدر و مادر ساعات کار و تحصیل و تفریح فرزندان خود را اعم از دختر و پسر کنترل و محدود کنند و محبت‌های بی‌جارا کنار بگذارند هر چه باشد میتواند تأثیرات بسزائی در روحیات طفل داشته باشد و از آلودگیهای اجتماع محفوظ بماند.

آقای عباس‌علی عمید زنجانی

## نبودن بر نامه صحیح در سر زندگی!

تردید نیست که ما دامیکه علل و ریشه‌های یکمطلب درست تشریح و بررسی نشود راه رسیدن بدان دشوار و فعالیتها و نیروهای صرف شده در این راه بی نتیجه خواهد بود مسئله «فساد اخلاق جوانان ما» درست مصداق بارزی از این موضوع است زیرا وقتی نقشه‌های اصلاحی و متدهای صحیح عملی در راه مبارزه با این مسئله خانمان بر انداز و هستی بر بادده، نتیجه بخش خواهد بود که بر اساس بررسی کامل و تشریح دقیق آن استوار باشد.

بنا بر این طرح یکچنین مسئله ضروری (از نظر مبارزه با آن) در مجله وزین علمی و دینی «مکتب اسلام» نه تنها یکقدم بزرگ در راه پیشرفت هدف مقدس

مجله میباید؛ بلکه باید آنرا یک خدمت اساسی در راه بقا و حیات اجتماعی و دینی جامعه مادانست، چه بطور مسلم، استقلال و ملیت و ایمان و دین و بالاخره موجودیت ما ارتباط با این مسئله حیاتی دارد.

مسئله فساد اخلاق جوانان ما، را شاید بیشتر باید از نظر روانی و روحی مورد مطالعه قرار داد و به همین جهت مانند بیشتر مسائل روانی تشریح صدر صد صحیح و تعیین عامل اصلی و باصطلاح علة العلل آن خالی از اشکال نیست ولی بررسی شواهد حال حاضر و مطالعه تاریخ گذشته و تجربه های شخصی، ما را بواقع نزدیک تواند کرد. اکنون بادر نظر گرفتن این سه موضوع، وقتی مسئله را مورد دقت و بررسی قرار میدهیم باین نتیجه میرسیم که عدم تربیت صحیح خانوادگی و نقصان برناهای فرهنگی و وضع مطبوعات و مجلات و سینما و فیلمها و... گرچه هر کدام بتنهائی عامل مؤثری در فساد اخلاق جوانان ما هستند ولی هیچکدام از آنها عمومیت نداشته و تأثیر هر یک مخصوص دوران و زمان محدودی میباشد (مثلاً عدم تربیت صحیح خانوادگی و یا نواقص فرهنگی تنها عامل فساد در دوران طفولیت و دانش آموزی است) و همچنین قسمتی از آنها اساساً در باره ای از نقاط نفوذ ندارد.

بنابراین، این فقر اخلاقی را باید در عاملی جستجو کرد که در تمام دوران زندگی جوانی و همه نقاط؛ این بدبختی را در جوانان بوجود آورده و زمینه را برای پیدایش اینگونه عوامل فساد پرور آماده سازد.

حال باید دید این عامل اساسی و باصطلاح علة العلل و ام الفساد چیست؛ متأسفانه شاید عامل مثبتی نتوان برای آن یافت و هیچگونه بعدی ندارد چه همواره نقص و فساد از نبودن عامل کمال سرچشمه میگیرد. بنابراین نبودن دستگاه تجهیزیکه باین نامهای صحیح ریشه دار توأم بانیروی مادی بتواند در مدرسه و دانشگاه، خانواده و بازار شهر و دهکده و بالاخره همه جا و همه وقت اصلاحات اخلاقی و رهبری جوانان را عهده دار شود، عامل اساسی این بدبختی و فقر اخلاقی میباشد و تا هنگامیکه جامعه ما این دستگاه مجهز را که بر دو پایه محکم زیر استوار میباشد فاقد باشد امکان نتیجه گیری

از فعالیت ها و نیروهای پراکنده اصلاحی ناچیز خواهد بود و آن دو پایه بقرارزیر است :

۱ - برنامه های عملی اصلاحی و مذهبی اسلام ، که بمنزله مغز متفکر این دستگاه خواهد بود .

۲ - نیروی متشکل مادی و همکاری صحیح تمام دستگاههای اجتماعی و اداری که بمنزله قوه عامله آن محسوب میگردد و بدینوسیله دو نیروی معنوی و مادی تمام ریشه های فساد را خواهد خشکانید .

اوضاع گذشته و مطالعه وضع اسف انگیز کنونی بهترین گواه این مطلب است و هیچ لزومی ندارد که ما انگشت روی يك واقعه و شاهد بخصوصی گذاشته و آنرا بطور نمونه دلپیل بیاوریم .

### آقای زین العابدین قربانی

#### عامل اصلی ؛ اختلاف طبقاتی ، محرومیتها ، اماکن فساد است

انسان در اثر داشتن حس خودخواهی و لذت طلبی همواره تلاش و کوشش میکند که از زیر بار حدود و قیود و قوانین و مقررات و هر چیزیکه مانند زنجیری دست و پای او را بسته و از ارتکاب خواسته های نفسانی او جلو گیری مینماید، رهائی یابد .

در این تلاش و کوشش عواملی چند که بعضی از آنها جنبه وجودی و بعضی دیگر جنبه عدمی دارند که ذیلات توضیح داده میشود باو کمک میکنند :

۱ - نداشتن معرفت صحیح و کامل نسبت بحقیقت کردار و رفتار و اخلاق نیک و نتایج و ثمرات شیرین دنیوی و اخروی آن و ندانستن مفاسد و مضرات و اثرات تلخ و ناگوار سوء اخلاق و رفتار ناپسند یعنی نداشتن فرهنگ مرفقی و کامل و تربیتهای صحیح خانوادگی و دور بودن از دستورات عالی اسلامی و فاقد بودن کتابها و مجلات و روزنامه های آموزشی و پرورشی و برنامه های تبلیغاتی مدرن تربیتی همه از عواملی است که جوانان ما را به پرتگاه مفاسد اخلاقی و منجلاب شهوت پرستی و هرزگی سوق داده است .

**شاهدزنده :** جوانی را میشناسم روزگاری بروی گذشت که در اثر جهالت و نداشتن تربیت صحیح خانوادگی و دور بودن از دستورات عالی اسلامی بهر گناهی آلوده و هر مفسده اخلاقی را مرتکب گشت ولی در اثر آمیزش و بر خورد با جوان پاکدامنی دست از هر گونه معاصی شسته فعلا بتمام معنی مسلمان و پاک است .

۲ - وجود اماکن فساد ، روزنامه ها و مجلات فضیلت کش ، تأثر ها و سینماها و بر نامه های غلط ، دستگاه های تبلیغاتی از عوامل دیگر فساد اخلاق جوانان ماست .

**شاهد زنده :** جوان دیگری را نشان دارم در محیط پاک میزیست ولی در اثر عواملی از آن محیط بهتران رفت دیری نپایید بر اثر فراهم بودن هر گونه وسیله برای ارتکاب فحشاء و مفساد اخلاقی دست بهر جنایتی دراز کرد حتی از خدا و دین و جمیع مقدسات عالم رو گردان شده ، ارتکاب اعمال شنیع برای او امری عادی بشمار میرود .

۳ - بیکاری نیز از عوامل مهمی است که جوانها را وادار میکند که دست بطرف فساد اخلاق دراز کنند . **شاهدزنده :** جوانی سال سوم دانشکده علوم قسمت شیمی رادرتهران مشغول تحصیل بوده ، نامه ای بیکي از دوستانش نوشت در ضمن نامه شکایت از کثرت مشاغل تحصیلی میکرد و اینطور مینوشت : «فلانی ! الان که این نامه را برای شما مینویسم درست چند ماه است رنگ سینما و تأثر و خیابان اسلامبول و لاله زار را ندیده ام ، شما خوب در این جملات فکر کنید که اگر این جوان دارای کار و تحصیل نبود چطور در اثر بیکاری دست بطرف فساد دراز مینمود ؟

۴ - اختلاف طبقاتی شدید که عده ای در ناز و تنعم به حد کافی بهره مند ولی در مقابل عده ای دیگر در کمال بیچارگی و فقر اقتصادی جان میکنند ولی این عده محروم یا خود را به ارتکاب شهوات و اعمال شیطانی سرگرم میکنند و یاد راه تلاش و فعالیت میافتند تا مقامی را اشغال کرده قدری بر جراحات درونی خود مرم هم نهند ولی ناگفته پیدا است که یکچنین فردی در راه بدست آوردن مقام و مرتبه از هیچگونه معصیت و گناه و مفساد اخلاقی خودداری نخواهد کرد .

**شاهد زنده :** جوانی را سراغ دارم محرومیت های بسیار کشید و رنجهای

فراوان دیدو همواره از اختلاف طبقاتی مینالید بالاخره کوشش نمود تا خود را بدانشکده حقوق قسمت قضائی رساند وقتی یکی از دوستانش ویرا برای شرکت در قسمت قضاوت نکوهش میکرد وی در پاسخ چنین اظهار داشت: فلانی! من محرومیتها از یکمشت عزیزان بی جهت و ناز پروردگان بی حقیقت بسیار دیدم میخواهم در اثر اشغال کردن پست حساس قضاوت داد خود را از این قلدرها و زورمندان شیطان سپرت بستانم.

۵- آماده بودن هر نوع وسیله برای شهوترانی و عیاشی و نبودن پلیس مخفی یعنی ایمان بخدا و روز رستخیز نیز از علل آنست.

آقای سید رسول موسوی تهرانی

## پدران آنها مقصرند!

این مطلب از بدیهیات است که بیشتر فساد اخلاق جوانان عصر مادر اثر تربیت نکردن پدران است، زیرا اگر پدران از کودکی فرزندان خود را تربیت کنند و آنها را با آداب اسلامی پرورش دهند در بزرگی میدانند که اسلام چه گفته و بآن عمل میکنند و دیگر لازم نیست کسی آنها را نصیحت کند چون اثر تعلیمات دوران کودکی در آنها باقی است، ولی متأسفانه پدران این نگهبانی بزرگ اسلامی را در باره فرزندان خود عملی نمیسازند.

اگر پدران بدستوری که اسلام داده است رفتار کنند، یعنی همانطور که بما فرموده اند که فرزندان پدر سه حق بزرگ دارد: ۱- نام نیک بر او بگذارد ۲- قرآن باو بیاموزد ۳- او را مؤدب با آداب دینی کند، اگر این سه حق را در مورد آنها اجرا کنند قطعاً اخلاق آنها تا پایان عمر و بترقی میرود.

پدر نیک سیر بهر پسر میکوشد	گریس شد چو پدر در اثر تربیت است
بی مری بجهان شاخه کج راست نشد	گر شود راست شجر در اثر تربیت است
بی جهت سنگ نگر دیده بمعدن الماس	گر شود سنگ کهر در اثر تربیت است